

بررسی آیات ذکر در سوره طه

طه و نمودار آیات

إِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَن يَخْشَى ﴿٢﴾

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ

الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿١٤﴾

كِي نُسَبِّحُكَ كَثِيرًا ﴿٣٣﴾ وَنَذْكُرُكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾

اَذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي

﴿٤٢﴾

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى ﴿٤٤﴾

كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ ۚ
وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا ﴿٩٩﴾

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنْ
الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ﴿١١٣﴾

وَمَنْ أُعْرِضَ عَنِ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْجًا
وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿١٢٤﴾

فعل

يَتَذَكَّرُ

مصدر

تَذَكِيرَةٌ

مصدر

ذِكْرًا

مضاف و
مضاف اليه

لِذِكْرِي

مصدر

ذِكْرًا

فعل

نَذُرُكَ

مضاف و
مضاف اليه

ذِكْرِي

مضاف و
مضاف اليه

ذِكْرِي

واژه ذکر در کتاب لغت

- ذکر از ریشه ذکر: یادآوری است؛ در مقابل غفلت و فراموشی و این معنا اعم از یادآوری (تذکر) قلبی و زبانی است. گاهی به قصد مبالغه به چیزی که به وسیله آن، یادآوری حاصل میشود، ذکر می-گویند، گویا آن وجودی خارجی و عینی از ذکر است و آن را آشکار میکند، مانند کلمه عدل در جمله زیدٌ عدلٌ (یعنی زید، عادل است).
- ذکر زبانی، مانند: سوره مبارکه جمعه آیه 9: فاسعوا الی ذکر الله، به سوی ذکر خدا بشتابید و
- ذکر قلبی مانند: سوره مبارکه بقره آیه 152: فاذکرونی اذکرکم، پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم

واژه ذکر در کتاب لغت

- ذکری (خاطره)، مصدر فعل ذکر بوده و اسم مصدر نیست. مانند: سوره مبارکه ذاریات آیه 55: و ذکر فآن الذکری تنفع المؤمنین، و پند ده، که مؤمنان را پند سود بخشد
- ذکر نیز مصدر است.
- تذکیر (به یاد کسی آوردن)، بارها گفته ایم که تفعیل بر جهت وقوع و ملاحظه‌ی نسبت فعل به مفعولاً به دلالت می‌کند.
- **تذکره:** این صیغه در باب تفعیل به قصد تخیف به کار می‌رود و سماعی است و از آنجایی که صیغه تفعیله مخفف است، صیغه تفعیل بر خلاف صیغه تفعیله - بر شدت و فزونی در جهت وقوع و نسبت به مفعولاً به دلالت دارد. مانند: سوره مبارکه طه آیه 3: الّا تذکره لمن یحشی، جز اینکه برای هر که می‌ترسد، پندی باشد.

واژه ذکر در کتاب لغت

- تذکر (پذیرش ذکر): بر وزن تَفَعَّل است و بر اثر پذیري از باب تَفَعِيل دلالت دارد. بنابراین می‌گویند: ذکرته فتذکر (یعنی به او یادآوری کردم و او پذیرفت). مانند: وسع ربّي کلّ شیء علما أفلا تتذکرون- در این آیه تذکر در مقابل تذکیر، مورد نظر است.
- اذکر: بر باب تَفَعَّل، و اصلش تَذَكَّر است و همچنین است اذکار از باب افْتَعَال - که تاء به ذال قلب شده و جایز است که بگوییم اذکر و اذکار و تشدید بر شدت بیشتر دلالت می‌کند. مانند: سوره مبارکه اعلی آیه 10: سیدّکر من یخشی، آنکس که ترسد، به زودی عبرت گیرد سوره مبارکه قمر آیه 15: و لقد ترکناها آیه، و به راستی آن [سفینه] را بر جای نهادیم [تا] عبرتی [باشد] سوره مبارکه قمر آیه 15: فهل من مدّکر، پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟ کاربرد این صیغه‌ها در مواردی است که نیازمند تذکر بیشتر و توجه و تفکر شدید است و مدّکر اسم فاعل از اذکار و از باب افْتَعَال است.

واژه ذکر در کتاب لغت

- اما مفهوم ذکر (نر) در مقابل انثی (ماده): ظاهر آن است که این واژه از تذکر گرفته شده، به مناسبت این که ذکر، مظهر تذکر و چیزی است که پدر را به یاد می آورد و او جانشین نزد وارث و نائب و متصدی امور اوست و بعید نیست که در اصل صفت باشد مانند حسن، سپس به واسطه کثرت استعمال، اسم آن شده است و کاربرد آن در مقابل کلمه انثی بر این مطلب دلالت دارد و آن همان گونه که در ماده اش گذشت، مونث و صفت است. اما جمع ذکر: ذکران و ذکور است

واژه ذکر در کتاب لغت

- کلمه ذکر به معنای حفظ معنای چیزی و یا استحضار آن است و به هر چیزی که آدمی بوسیله آن حفظ شود و یا مستحضر گردد ذکر گفته می‌شود.
- راغب در مفردات گفته است: ذکر، يك مرتبه گفته می‌شود و از آن، آن هیئت و وضع درونی اراده می‌شود که برای انسان ممکن می‌شود بوسیله آن، مطالب و آموخته‌هایش را حفظ کند، و ذکر به این معنی مرادف با کلمه حفظ است با این تفاوت که حفظ را به اعتبار نگهداری آن محفوظ، بکار می‌برند، و ذکر را به اعتبار اینکه محفوظ و مستحضر است. يك مرتبه هم ذکر گفته می‌شود و از آن حضور مطلب در قلب و یا در زبان اراده می‌شود و به همین جهت است که بعضی گفته‌اند: ذکر دو جور است، ذکر به قلب و ذکر به زبان، و هر يك از این دو جور خود دو نوعند، یکی بعد از فراموشی که در فارسی به آن به یاد آوردن می‌گویند، و یکی هم بدون سابقه فراموشی که در حقیقت ادامه حفظ است.

واژه ذکر در کتاب لغت

- و ظاهراً اصل در این کلمه، ذکر قلبی است، و اگر لفظ را هم ذکر گفته‌اند به اعتبار این است که لفظ معنا را بر دل القا می‌کند و به همین اعتبار در قرآن کریم هم استعمال شده، چیزی که هست در عرف قرآن اگر این کلمه مقید به قیدی نشد معنایش یاد خداست.
- و به همین عنایت است که قرآن کریم، وحی نبوت و کتاب‌های فرستاده شده بر انبیا را ذکر خوانده است و آیاتی که شاهد بر این معنا است بسیار است و حاجتی به ایراد آنها در اینجا نیست.